

## معرفی کتاب «لؤلؤ و مرجان: در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوانان»

محمد سمیمی

به بهانه انتشار مجدد کتاب *لؤلؤ و مرجان* اثر محدث نوری (ره) و با توجه به موضوع کلی مقالات این شماره از فصلنامه، به معرفی این کتاب پرداختیم. تجدید چاپ این کتاب در یکصدمین سالگرد مؤلف فرهیخته آن، در پی چاپ‌های مکرر قبلی، نشان از اهمیت ویژه‌ای است که جامعه پژوهشگران و مبلغان شیعه برای این اثر قائل است.

میرزا حسین بن محمد تقی نوری طبرسی (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ق) از بزرگ دانشمندان علم حدیث به شمار می‌رود تا آن جا که به لقب «خاتم المحدثین» اشتهار یافته است. او در محضر اساتیدی چون شیخ مرتضی انصاری و میرزای شیرازی پرورش یافته و بزرگانی چون شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ فضل الله نوری و حاج شیخ عباس قمی را در محضر خود پرورش داده است. از این عالم ربانی آثار علمی زیادی بر جای مانده که در آن میان *مستدرک الوسائل* - که در شمار یکی از منابع مهم حدیثی شیعه است - بزرگ‌ترین یادگار او است. آخرین اثری که نوشته و شخصیت مؤلف خود در اوج مراحل کمال فکری و احاطه به متون و منابع را بیان می‌کند، *لؤلؤ و مرجان: در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوانان* است.<sup>۱</sup>

از این کتاب دو نسخه به خط مؤلف موجود است که یکی در کتابخانه مجلس به شماره ۵۸۰۸ و دیگری در کتابخانه مرحوم مرعشی به شماره ۸۰۶۶ نگهداری می‌شود. کتاب در سال‌های گذشته بارها منتشر شده است<sup>۲</sup> و در سال ۱۳۷۹ نیز دو ناشر به صورت جداگانه به انتشار اولین چاپ

این کتاب اقدام کرده‌اند: انتشارات احمد مطهری یکی را با تحقیق و تعلیق آقای مصطفی درایتی با عنوان چشم‌اندازی به تحریفات عاشورا: (لؤلؤ و مرجان) نشر داده است. آقای درایتی با پیش‌درآمد سی صفحه‌ای و تعلیقات مبسوط خود، مباحث سودمندی را با دیدگاه‌های امروزی به کتاب افزوده است. در انتهای کتاب فهرستواره‌های کتاب‌ها، اعلام، احادیث، آیات و مصادر کتاب آورده شده است. دومین چاپ را در همین سال مؤسسه انتشارات امیرکبیر، به سفارش سازمان تبلیغات اسلامی با عنوان لؤلؤ و مرجان: در آداب اهل منبر، منتشر کرده است. این چاپ متأسفانه بدون تبویب و حتی بدون فهرست مندرجات و با صفحه‌آرایی آشفته و اغلاط بسیار زیاد، عرضه شده است.

آنچه در میان شیعیان مسلم است، فضیلت عزاداری و گریه کردن و گریاندن بر مصیبت‌های وارد شده بر حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) است، ولی با چه ابزاری و در چه صورتی؟ بازار این بحث پس از دوران صفویه در میان دانشمندان رونق گرفته و مرزبندی‌های عزاداری و تعیین خط قرمزها همواره مورد توجه بوده است. دغدغه اصلی محدث نوری در این کتاب، جلوگیری از انحرافات بوده که اهل منبر و روضه خوانان در ذکر مصیبت سید الشهداء (ع) دچار آن شده‌اند. او مسامحه اهل علم در این زمینه را عامل گستاخی طایفه اهل منبر می‌داند و سکوت‌کنندگان در این باب را شریک گناه متجربان بر می‌شمرد.

مقدمه کتاب به بیان فضیلت گریستن و گریاندن در عزای امام حسین (ع) اشاره می‌کند. بدنه کتاب به دو شرط اساسی قبول این عبادت، به عنوان دو پله منبر، یعنی اخلاص و صدق می‌پردازد و در پایان، ناپسندی گوش دادن به اخبار دروغ و تکلیف شرعی در قبال دروغ‌گویان اهل منبر را یادآور می‌شود. در فصل اول، از اخلاص، اولین پله منبر و اولین شرط اساسی قبول آن، بحث می‌نماید و به شدت، کسانی که منبر را وسیله کسب و تجارت خود قرار داده‌اند، محکوم می‌کند و آنان را مصداق ریاکار، مستأکل به آل محمد (ع)، فروشنده آخرت به دنیا و واعظ بی‌عمل<sup>۳</sup> می‌داند. او در مقابل با استناد به روایات، دادن هدایای مالی به روضه‌خوانان را کاری پسندیده ارزیابی می‌کند. دومین پله منبر و دومین شرط اساسی آن، راستگویی است که در فصل دوم از آن بحث شده است. این فصل بیش از نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص داده است. هدف اساسی مؤلف در این جا، جلوگیری از ذکر حکایات بدون مدرکی است که به خصوص در واقعه عاشورا، به کثرت نقل می‌شده و متأسفانه هنوز هم نقل می‌شود و اهل منبر برای گرم کردن مجلس و هر چه بیشتر سوزناک جلوه دادن مصایب اهل بیت (ع)، به ذکر آن می‌پردازند. غافل از آن که با این کار چهره واقعی اهل بیت (ع) تحریف و ضربه‌های اساسی به مبانی مذهبی مردم وارد می‌گردد. این فصل را با ستایش راستگویی و مذمت دروغ‌گویی آغاز می‌کند و با احاطه کم نظیری که به اخبار اهل بیت (ع)، در اواخر عمر شریفش داشته است، در هر قسمت به ذکر گروه‌های مختلف احادیث می‌پردازد. پس از آن، اقسام دروغ و احکام هر یک را با دیدگاهی فقیهانه بر می‌رسد. در ادامه به بیان معنی دروغ در نقل حکایات تاریخی می‌پردازد و با بحثی اصولی، ملاک‌های نقل اخبار و وقایع تاریخی را پی می‌گیرد.

در پایان با دیدگاهی تاریخی با ذکر نمونه‌های حکایاتی که بدون سند معتبری شایع شده است، بحث را خاتمه می‌دهد. مباحث فقهی و اصولی که در لا به لای کتاب مورد توجه بوده است، معمولاً به اختصار و با عمق کمتر مورد توجه قرار گرفته، ولی در مورد مباحث حدیثی و تاریخی، تفصیل و عمق مباحث ستودنی است.

تأثیر کتاب در مخاطبان را می‌توان در خلال آثار بعدی، که ناظر به *لؤلؤ و مرجان* بوده‌اند، جستجو کرد. در این میان با ذکر دو نمونه، سخن را به پایان می‌بریم:

۱. مرحوم حاج مولی علی واعظ خیابانی در *وقایع الایام*، مجلد شعبان می‌نویسد: «برادر جان! قربانت شوم. عالم، والد روحانی ماست، نباید به ایشان عاق شد، و نشاید حقوق ایشان را ضایع کرد. و انصاف نیست که *لؤلؤ و مرجان* را ارزان و فراوان شمرد، زیرا که در خزانه هیچ پادشاهی این گونه لؤلؤ و مرجان یافت نمی‌شود. آن را مکرراً مطالعه و ملاحظه کن و در مضامینش درست تأمل و غوص کن، و در بحار مطالبش به تفصیل تعمق و غور بنما. این گونه اطلاعات و تحقیقات و تألیفات، کار هر بافنده نیست. اطلاع از وضع کتاب *لهوف* و *منتخب* و *ابی مخنف* و *اسرار الشهادة* و *مخزن* و *محررق* و غیرها، و دانستن صحت و سقم و قوت و ضعف مطالب آنها، هریک در عمری به دست می‌آید. شخصی در نیم سطر به ما بگوید، چرا قدر آن را ندانیم و حق او را ضایع کنیم؟! شنیدم در تهران، در مجمعی صحبت از *لؤلؤ و مرجان* شده و بعضی بد گفته و فساد عظیمی شده، قتلی هم اتفاق افتاده. و در تبریز هم نقل کردند که در مجلسی مذاکره شده، و چند نفر از پی آن بزرگوار زشت گفته‌اند. نعوذ بالله از این کلمات نالایق! و در مجلس دیگر نیز، که بنده هم بودم، صحبت از آن کتاب افتاد ولی بنده رفع شبهه کردم و احباب و اصحاب هم متقبل و متقاعد شدند.»<sup>۴</sup>

۲. استاد شهید مرتضی مطهری در *حماسه حسینی* می‌گوید: «کتاب *لؤلؤ و مرجان* . . . از مرحوم حاجی نوری (رضوان الله علیه) درست یک قیام به وظیفه بسیار مقدسی است که این مرد بزرگ کرده است؛ مصداق قسمت اول این حدیث است که «إذا ظهرت البدع فليظهر العالم علمه». در این طور موارد وظیفه علماست که حقایق را بدون پرده به مردم بگویند ولو مردم خوششان نمی‌آید. وظیفه علماست که با اکاذیب مبارزه کنند و مشت دروغگویان را باز کنند.»<sup>۵</sup>

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. برای آشنایی بیشتر با زندگینامه محدث نوری ر. ک :

عبدالحسین طالی و محمد حسین صفاخواه، علامه محدث نوری، تهران: ابرون، ۱۳۷۸.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: آل البیت، ۱۴۰۸ق. ج ۱، ص ۴۱.

۲. برای نمونه مشخصات دو چاپ زیر را ذکر می‌کنیم:  
لؤلؤ و مرجان در آداب اهل منبر، قم: طباطبائی، ۱۳۷۱.
۳. لؤلؤ و مرجان: در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوانان، تحقیق و ویرایش از حسین استاد ولی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.
۴. این افراد در اخبار، بسیار مورد سرزنش قرار گرفته‌اند. عناوین مذکور، برگرفته از متون روایات است.
۵. به نقل از علامه محدث نوری، صفحه ۲۱۵.
۶. حماسه حسینی، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی